

چرایی کنیززادگی و کنیزداری امام هادی علیه السلام

محمدسعید نجاتی^۱

چکیده

این مقاله، برای پاسخ به این سؤال که: چرا امامی مانند حضرت هادی علیه السلام کنیززاده است و با یک کنیز ازدواج کرده؛ در حالی که قرآن ازدواج با کنیزان را در صورت ناتوانی ازدواج با زنان آزاد، روا شمرده است؟ پس از بررسی این دستور قرآنی، به مدد دانش‌های مختلف از جمله کلام و تاریخ اسلام، نه پاسخ ارائه شده که عبارت‌اند از: مقابله با برده‌داری؛ مبارزه با تبعیض نژادی؛ آزادی و ازدواج غیرعلنی؛ تلاش برای تکثیر نسل اهل بیت؛ کم‌هزینه بودن و بی‌تکلفی ازدواج با کنیزان؛ دستیابی به پیوند نژادی با قومیت‌های مختلف؛ جلوگیری از به خطر انداختن همسران رسمی و خاندان‌هایشان؛ مشکلات شدید امنیتی و اقتصادی خاندان‌های علوی در این عصر؛ پسندیده بودن لذت‌بری جنسی.

واژگان کلیدی

امام هادی علیه السلام، ابن الرضا، نقی، کنیز، سمانه، مادران امامان.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام. nejati13@chmail.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۲۳

مقدمه

منابع بسیاری به زندگی و سیره امامان شیعه پرداخته‌اند. در این میان، برخی از پژوهش‌های اخیر، تنها به مادران معصومان اختصاص یافته‌اند. از این پژوهش‌ها نیز بیشتر به جنبه‌های دیگر حیات و زندگی مادران ائمه پرداخته‌اند^۱ و هیچ پژوهشی یافت نشد که در راستای پاسخ به پرسش مطرح‌شده در این مقاله باشد. پس، می‌توان این موضوع را در نوع خود، جدید دانست.

گزارش‌های بسیاری، مادر امام هادی علیه‌السلام را کنیزی به نام «سمانه» و مشهور به «ام الفضل» معرفی کرده‌اند.^۲ وطن جناب سمانه، در گزارش‌های دیگر، مغرب عربی مشخص شده است.^۳

بر اساس گزارشی که مسعودی از محمدبن فرج رنجی، وکیل امام جواد علیه‌السلام نقل می‌کند، محمد از سوی امام مأموریت یافت تا جناب سمانه مغربی را از یکی از برده‌داران سامراً خریداری کند. این برده‌داران، کنیزان مولده را بدون واسطه از زن تربیت‌کننده‌شان دریافت می‌کردند. بر اساس این گزارش، سمانه تا پیش از آن در اختیار هیچ‌کس قرار نگرفته بوده و با توجه به کمالاتش، پس از چانه‌زنی او را به قیمت شصت سکه طلا خریدند.^۴ وکیلان امام هادی علیه‌السلام، محمدبن فرج و علی‌بن مهزیار، شایستگی‌ها و کمالات معنوی مادر آن حضرت را از زبان امام بازگو کرده‌اند. آن حضرت، مادرش را دارای معرفت به جایگاه امام و زنی محفوظ از کید و پلیدی‌های شیطان و در سطح مادر سایر صدیقان و صالحان دانست.^۵

این منابع، تنها از ام الفضل، دختر مأمون عباسی، به‌عنوان همسر عقدی و رسمی امام جواد علیه‌السلام نام برده‌اند و دیگر فرزندان آن حضرت را نیز از کنیزان دانسته‌اند.^۶ در منابع از همسران امام هادی علیه‌السلام نیز سخن چندانی به میان نیامده است. آنان همسر امام

^۱ ر.ک: ناهید طیبی، «مادران امامان شیعه علیهم‌السلام و نقش‌های سیاسی - اجتماعی آنان»، مجله بانوان شیعه، زمستان ۱۳۸۴ و بهار ۱۳۸۵، ش ۶ و ۷، ص ۷ - ۳۲.

^۲ کلینی، الکافی، ج ۱ ص ۴۹۸؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۱۵؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۹۲؛ فضل‌بن حسن طبرسی، إعلام الوری، ص ۳۳۹؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۲۱۱.

^۳ ابن شهر آشوب، مناقب آل ائمه علیهم‌السلام، ج ۲ ص ۴۴۲؛ شافعی، مطالب السؤل، ص ۸۸؛ سبط‌بن جوزی، تذکرة الخواریزمی، ص ۳۵۹؛ ضامن‌بن شدقم، تحفة الأزهاری، ج ۳، ص ۴۴۹.

^۴ مسعودی، إثبات الوصیة، ص ۲۲۰.

^۵ همان.

^۶ ابن صوفی، المجدی، ص ۳۲۳.

هادی علیه السلام و مادر بزرگوار امام عسکری علیه السلام را نیز کنیزی به نام حدیث یا یا سوسن، حدیثه^۱ یا سلیل از اهالی نوبه^۲ شناسانده‌اند. وی نیز از زنان برگزیده و با کمال عصر خود و به نام‌های «سلیل، حدیثه و حریبه» معروف و مشهور بود.^۳ قبل از آنکه امام هادی علیه السلام با سلیل ازدواج کند، امام جواد علیه السلام در وصفش فرموده بود: «سلیل، یعنی بیرون کشیده از هر آفت و پلیدی و ناپاکی» و به او مژده داد که: «ای سلیل! زود است خداوند به تو، حجت خود را عطا نماید که زمین را از عدل پُر کند؛ بعد از آنکه از ستم پُر شده باشد.» همچنین، امام هادی علیه السلام نیز سلول را ستوده و فرمود: «سلولُ مسلولةٌ من الآفات و النجاس؛ سلول (یکی از القاب سوسن)، از بدی‌ها و آلودگی‌ها پاک است.»^۴

فضیلت و توانایی جناب سوسن به قدری بود که در دوران اضطراب و سرگردانی شیعه، به هنگام شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، با راهنمایی جناب حکیمه، دختر امام جواد علیه السلام، به عنوان پناهگاه و وصی امام در برهه‌ای معرفی شد.^۵

با توجه به دستور قرآن کریم که ازدواج با کنیز را پس از ناممکن بودن ازدواج با زنان آزاد جایز می‌داند،^۶ این سؤال مطرح است که چرا پدر امام هادی، جواد الائمه علیه السلام با زنی آزاد ازدواج نکرد تا از او دارای فرزندی گردد که امام شود؟ و چرا امام هادی علیه السلام نیز تنها از کنیز خود دارای فرزند شده و گزارشی از ازدواج وی با زنان آزاد وجود ندارد؟

با بررسی سیره امامان دیگر، درمی‌یابیم که امامان متعددی از شیعه نیز مانند امام هادی علیه السلام کنیززاده بودند. امام سجاده، امام کاظم، امام رضا، امام جواد، امام عسکری و امام زمان علیه السلام از کنیزانی، با قومیت‌های مختلف مانند: ایرانی، مغربی، نوبه‌ای، بربر و رومی به دنیا آمده‌اند. از سوی دیگر، این مسئله نشان می‌دهد که برخی از امامان، یعنی امام حسین و امام رضا و امام جواد علیه السلام

۱. مفید، همان، ج ۲، ص ۳۱۲ و ۳۱۳؛ ضامن بن شدقم، همان، ج ۳، ص ۴۷۹.

۲. ابی نصریخاری، سرالسلسله العلویة، ص ۳۹.

۳. اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۴۰۳.

۴. مسعودی، همان، ص ۲۴۴.

۵. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۵۰۱؛ شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۳۰.

۶. «وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمَنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ؛ و آنها از شما که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن باایمان را ندارند، می‌توانند با زنان پاکدامن از بردگان باایمانی که در اختیار دارید، ازدواج کنند؛ خدا به ایمان شما آگاه‌تر است و همگی اعضای یک پیکرید.» (سوره نساء، آیه ۲۵)

در کنار همسران خود با کنیزان ازدواج کرده‌اند. در زندگی برخی دیگر از امامان نیز مانند: امام کاظم، امام هادی و امام عسکری علیهم‌السلام ازدواج رسمی‌ای ثبت نشده و تنها با کنیزانشان ازدواج کرده‌اند؛ درحالی که زنان شایسته در قبایل بنی‌هاشم و اهل بیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آن زمان وجود داشتند. سؤالی که در این مقاله به دنبال پاسخ به آن هستیم، این است که چگونه امام هادی و سایر این امامان، با وجود دستور قرآن کریم در این باره، با کنیزان ازدواج کرده‌اند و از آنها دارای فرزند شده‌اند؟ و چرا با زنان بنی‌هاشم ازدواج نکرده‌اند؟ نویسنده با بررسی منابع تاریخی و سیره معصومان علیهم‌السلام به این نتیجه رسید که در منابع و پژوهش‌های مربوط، بسیار گذرا و سریع به معرفی مادران این امامان پرداخته‌اند و متأسفانه، اثری که به این سؤال پرداخته باشد، یافت نشد.

نویسنده برای پاسخ به این پرسش، ابتدا به تبیین دستور قرآن کریم درباره ازدواج با کنیزان می‌پردازد و سپس، نه پاسخ برای پرسش اصلی ارائه می‌دهد.

در آیه ۲۵ سوره نساء، به مردانی که توانایی ازدواج با زنان آزاد باایمان ندارند، اجازه داده شده که با کنیزان باایمان ازدواج کنند. بر اساس این آیه است که روایات متعددی از امامان معصوم در مورد ناشایست بودن ازدواج با کنیزان، در صورتی که مردان امکان ازدواج با زنان آزاد دارند وجود دارد.^۱ فقیهان متقدم شیعه مانند شیخ طوسی و شیخ مفید و ابن ابی عقیل و ابن جنید نیز بر اساس این روایات، چنین ازدواجی را ناروا و حرام شمرده‌اند؛ هرچند فقیهان متأخر شیعه، آن را جایز، ولی ناپسند (مکروه) دانسته‌اند.^۲ بنابراین، ازدواج با کنیزان، تنها در شرایط ویژه و اضطراری در نگاه امامان رواست. از این رو، برای پاسخ به پرسش اصلی، دو متغیر ازدواج با کنیزان یا شرایط ویژه و اضطراری امامان، قابل درنگ و تأمل است. به نظر می‌رسد، هم ازدواج با کنیزان آن چنان که انعکاس یافته، دقیق نباشد و هم شرایط امامان ویژه و خاص بوده است.

۱. نفی نظام اشرافی و تبعیض نژادی میان عرب و غیرعرب

پس از گسترش فتوحات و سرازیر شدن سیل غنایم جنگی و اسرا به مرکز اسلام، مردان عرب به کنیزکان زیباروی سرزمین‌های پهناور تحت سلطه امپراتوری‌های ساسانی و روم روی آوردند.

^۱. کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۵۹؛ شیخ طوسی، همان، ج ۷، ص ۳۳۴.

^۲. محقق کرکی، جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۳۶۸؛ فضل بن حسن طبرسی، المؤلف من المختلف بین أئمة السلف، ج ۲، ص ۱۳۶.

این گرایش، باعث شد تا نسل بعدی، نسلی مشترک میان عرب‌ها و این قومیت‌های مختلف باشد؛ نسلی که در آغاز با تازیانه تبعیض و تعصب عربی، حقیر می‌شمردند و آنان را اولاد سراری (بچه کنیزان) می‌خواندند.^۱

این نگرش، به مرور زمان در هنگامی از میان رفت که این نسل مشترک برآمدند و شایستگی‌ها و قابلیت‌های خود را در جنبه‌های مختلف علمی و عملی به جامعه مسلمان ابراز کردند. از ابویقظان عامربن حفص، از نسب‌شناسان و اخباریان برجسته عرب، نقل شده است که قریش به کنیزانی که بچه‌زا بودند، توجهی نداشتند؛ تا اینکه بهترینان قریش، از این مادران زاییده شدند که عبارت بودند از: امام سجاد علی‌بن‌الحسین علیه السلام، قاسم‌بن‌محمد بن ابوبکر و سالم‌بن‌عبدالله که هر سه از ازدواج امام حسین علیه السلام و محمد فرزند ابوبکر و عبدالله بن عمر با دختران شاهزاده ایرانی به دنیا آمده بودند. اینان طبق دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله در برده‌داری و اسیرگرفتن اشراف و بزرگان یک جامعه، با توجه به جایگاه اجتماعی‌شان، به بردگی مردم عادی نمی‌رفتند؛ بلکه به انتخاب خود، به همسری یکی اشراف و بزرگان جامعه اسلامی درمی‌آمدند و این همسران، قیمتشان را به بیت‌المال می‌پرداختند و شاهزادگان ایرانی نیز پدران این سه تن را انتخاب کرده بودند.^۲

سخن هشام‌بن‌عبدالملک به زید، فرزند امام سجاد که مادرش کنیز بود، معروف است که به وی گفت: «شنیده‌ام که تو سودای خلافت در سر داری؛ درحالی که شایسته آن نیستی؛ چراکه یک کنیززاده‌ای.» این استدلال، نشان‌دهنده عمق رسوخ باور نژادگرایانه در ذهن هشام است. در مقابل اندیشه و سخن هشام، پاسخ جناب زید نمونه‌ای از مبارزه اهل‌بیت علیهم السلام با این باورهای نادرست است. زید در پاسخ هشام گفت: «اگر خداوند کنیززاده بودن را منقصتی می‌دانست، این مقام را به حضرت اسماعیل، پسر حضرت ابراهیم علیه السلام نمی‌داد.»^۳

نمونه دیگر این باور را می‌توان در این شعری به این مضمون یافت:

به خدا سوگند که کنیززادگان در میان ما بسیار شده‌اند؛ بارالها! مرا به سرزمینی وارد کن که در آن هجین و پستی را نبینم.^۴

۱. المبرد، *الکامل*، ج ۱، ص ۴۲۷؛ زمخشری؛ همان، ج ۳، ص ۳۶۰؛ ابن قتیبه دینوری، *عیون الأخبار*، ج ۱، ص ۳۱۳.

۲. زمخشری، همان، ج ۳، ص ۳۵۰.

۳. ابن قتیبه دینوری، همان، ج ۱، ص ۳۱۲؛ زمخشری، همان، ج ۳، ص ۳۶۱.

۴. زمخشری، همان، ج ۳، ص ۳۶۱.

اوج این نگاه تبعیض‌آمیز، در دوره بنی‌امیه و در عصر امام سجاد علیه السلام بود. این امام بزرگ برای نفی این تبعیض و برای پرورش دینی بردگان، برنامه‌های متعددی داشت؛ از جمله تلاش می‌کرد تا با همه امکانات مادی خود، بردگان را آزاد کند؛ به طوری که در مدت سی سال، تعداد بسیاری برده آزاد کرده داشت؛ آن‌چنان که گویند اینان محله‌ای در مدینه را تشکیل می‌دادند.^۱ تعداد فرزندان امام از دخترعمویش فاطمه بنت الحسن، اندک بود. به همین دلیل، به امام پیشنهاد شد که به دلیل تعداد کم فرزندان، کنیزان فرزندان را خریداری کند و پس‌ازاین، فرزندان امام بسیار شدند.^۲ مادر یازده پسر و نه دختر ایشان، کنیزانی بودند که آن حضرت پس از آزادی، با آنان رسماً ازدواج کرد.^۳ این گزارش، خود می‌تواند دلیلی برای ازدواج برخی از معصومان با کنیزان باشد؛ چراکه همسر رسمی ممکن است توانایی محدود و اندکی برای فرزندآوری داشته باشد؛ درحالی که با وجود کنیزکان متعدد، این محدودیت برطرف می‌شود.

از جمله همسران آن حضرت، کنیز و مادر بچه‌های برادرش علی‌اکبر و کنیز و مادر بچه‌های عمویش امام حسن علیه السلام بود. عبدالملک آن حضرت را به دلیل این ازدواج‌ها شماتت کرد؛ ولی امام در پاسخ نوشت: «إِنَّ اللَّهَ رَفَعَ بِالْإِسْلَامِ الْخَسِيسَةَ وَأَتَمَّ بِهَ النَّقِيسَةَ وَ أَكْرَمَ بِهَ مِنْ اللُّؤْمِ، فَلَا عَارَ عَلَيَّ مُسْلِمًا وَ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ تَزَوَّجَ أُمَّتَهُ وَ أَمْرًا عِبْدَةً؛ خَدَاوَنَد بِأَسْلَامِ پَسْتِي‌هَا رَا بَلَنْدِي دَاد وَ كَاسْتِي‌هَا رَا جَبْرَان كَرْد وَ حَقِيرَهَا رَا كَرِيم كَرْد. پَس، اَزْدَوَاج بِأَبْرَدَه اَزَادَشْدَه مُسْلِمَان نَنگ نِيَسْت؛ چَرَاكَه رَسولِ خُدَا نِيَز بِأَكْنِيْزَش وَ نِيَز بِأَهْمَسَر بَرْدَه‌اش اَزْدَوَاج كَرْد.»^۴

۲. دستیابی به پیوند نژادی با امت‌های مختلف

نگاهی به پراکندگی وسیع موطن مادران ائمه که از سند و خراسان بزرگ در شرقی‌ترین مناطق اسلامی گرفته و تا مغرب عربی و نوبه در شمال سودان و روم شرقی امتداد یافته، این نکته را به ذهن می‌رساند که شاید تقدیر الهی بر این تعلق گرفته که آخرین عصاره وحی و نبوت

۱. جعفریان، حیات فکری و سیاسی ائمه، ص ۲۸۰.

۲. ابن کثیر دمشقی، البدایة و النهایة، ج ۹، ص ۱۰۴.

۳. ابن الصوفی، المجدی، ص ۲۸۳؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۵۵.

۴. کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۶۱؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۸؛ عزیز الله عطاردی، مسند الإمام السجاد (ع)، ج ۱، ص ۱۳۲.

و امام مهدی علیه السلام، منجی عالم بشریت که وظیفه هدایت جهانیان را به عهده دارد، به واسطه مادران پدران خود، نوعی پیوند خونی با اقوام مختلف جهان داشته باشد. اهمیت پیوند خونی میان هدایتگر و امت هدایت‌شونده، به گونه‌ای است که در آیات متعددی از قرآن کریم، یکی از خصوصیت‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله، برآمدن از قوم مخاطب خود، ذکر شده است؛ «رسولا منکم»^۱ یکی از دلایل اهمیت پیوندهای سببی و قبیلگی از دیرباز، کارآمدی این پیوندها در جهت جلب متحدان سیاسی و اجتماعی بوده است؛ به عنوان نمونه، در عصر امام هادی علیه السلام حمایت و پشتیبانی ایرانیان از مأمون عباسی که مادرش کنیزی ایرانی بود و پشتیبانی ترکان (ماوراءالنهر) از معتصم و خلفای بعدی عباسی که مادرانشان کنیزان ترک بودند، نقش مهمی بر جریان‌های سیاسی و حاکمیتی داشت.^۲ پیوند امامان شیعه با قومیت‌های مختلف، امکان همگرایی و نزدیکی میان اقوام مختلف و امامان شیعه را فراهم می‌آورد. شاید بتوان همین پیوندها را به‌عنوان عاملی برای گسترش تشیع در سرزمین‌های مختلف دانست؛ چنان‌که سرزمین مغرب، موطن مادر امام هادی علیه السلام، از همان دوره و با شکل‌گیری حکومت ادریسیان (۱۷۹-۳۶۳ق) که نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام بودند، تا قرن‌ها گرایش و نگاه مثبتی به اهل بیت علیهم السلام داشته‌اند.^۳ دولت ادریسیان، دولتی بود که با ازدواج ادریس بن عبدالله محض، نوه امام مجتبی علیه السلام با کنیزی از نژاد بربر به نام «کنزه»، قوام یافت؛ چراکه ادریس، پیش از تولد فرزندش ادریس بن ادریس، مسموم شد و به قتل رسید و مردم مغرب با جنین وی بیعت کردند و پس از تولد، او را به حکومت خود گماشتند که پادشاه بعدی دولت ادریسیان مغرب شد.^۴ همچنین، در موطن مادران امام جواد علیه السلام و امام عسکری علیه السلام در جنوب مصر و نوبه و حبشه، رد پای تشیعی دیده می‌شود^۵ که می‌تواند از این ازدواج‌ها نیز تأثیر پذیرفته باشد.

۳. پیروی روشمند از عرف و رسم متعارف روزگار خود

با گسترش اسلام و سیل اسرا و کنیزانی که از سرزمین‌های مختلف در جامعه اسلامی وارد

۱. سوره بقره، آیه ۶۲؛ شبیه آن: سوره بقره، آیه ۱۲۹ و ۱۵۱ و سوره آل عمران، آیه ۱۶۳.

۲. طقوش، دولت عباسیان، ص ۱۲۵ و ۱۸۸.

۳. ابن خلدون، العبر، ج ۴، ص ۲۴.

۴. همان، ص ۱۸.

می‌شد، رویکرد جامعه اسلامی به کنیزان عوض شد و جایگاه و نقش اجتماعی خاصی برای آنان پدید آمد. این جایگاه ویژه، بیشتر تحت تأثیر توجه دربار اموی و سپس عباسی به این کنیزان ایجاد شد. این جایگاه، تأثیری مستقیم بر گسترش فساد مالی و اخلاقی در دربار و جامعه آن روز داشت. طولی نکشید که کنیزداری، دستاویزی برای شهوت‌طلبی و زن‌بارگی در این جامعه شد. در این شرایط، امامان شیعه ضمن پذیرش نکات مثبت و فرصت‌هایی که در این مسئله وجود داشت، ضمن حفاظت و پایداری ارزشی و حقوقی از این کنیزان، عملاً الگویی از رفتار درست و حفاظت از چارچوب خانواده را در عین بهره‌گیری از کنیزان ارائه دادند؛ الگویی که در عین مراقبت از جنبه‌های مثبت کنیزداری، خودداری از افراط و غرقه شدن در جذابیت‌ها و هنرنمایی‌های این کنیزان را در عمل به تصویر می‌کشید.

پس از اینکه تابوی ازدواج با کنیزکان و بچه‌دار شدن از آنها شکست و از سوی دیگر، حجم کنیزانی که بر اثر فتوحات وارد سرزمین‌های اسلامی می‌شدند، به خاطر کند شدن شتاب فتوحات کاسته شد،^۱ سرمایه‌گذاران تجارت برده‌داری به فکر حفظ سرمایه خود و بالابردن سود خویش از فروش بردگان افتادند. این کار، با آموزش‌های مختلف خوانندگی و نوازندگی و رقص و مجلس‌آرایی و دل‌فریبی به کنیزکان وارداتی انجام شد و باعث شد تا قیمت این کنیزها به تناسب استعداد و توانایی‌هایشان در هر کدام از رشته‌های مختلف، به چند ده یا حتی چند صد برابر قیمت کنیز آموزش‌نندیده ترقی کنند. طولی نکشید که این کنیزان که مجلس‌آرای دربار خلفا و اشراف و درباریان بودند، تبدیل به مادران خلفا شدند. با نگاهی به زندگی خلفا و اشراف و بزرگان در این دوره، درمی‌یابیم که ازدواج با کنیزان برگزیده و بچه‌دار شدن از آنها، امری شایع و عرف در زمانه آنان بود؛ چنان‌که در میان ده‌ها خلیفه عباسی، تنها برخی از خلفای نخستین آنان، زاده‌مادرانی با اصل و نسب هستند و پس از امین، بقیه از کنیزان مجلس‌آرا زاده شدند؛ کنیزکانی که توانسته بودند گوی سبقت را از همتایان خود در دل‌ریایی از خلیفه برابند.

این کنیزکان آموزش‌دیده و پرورش‌یافته که جایگاه خاصی در دربار اموی و عباسی یافتند، بهای سنگینی داشتند و با جذابیت‌های خود، گاه کار خلیفه را به دلبستگی‌هایی جنون‌آمیز می‌کشاندند. بسیاری از آنان، فسادهای اخلاقی زیادی را در دربار خلفا دامن می‌زدند؛ فسادی که از دربار به پایین دست جامعه سرازیر می‌شد و گسترش می‌یافت. عشق میان خلیفه اموی،

^۱. الترمذینی عبدالسلام، *الزواج فی الجاهلیة و الاسلام*، ص ۲۴۵.

یزید بن عبدالملک و کنیز گران قیمت خواننده اش به نام حبابه، نمونه‌ای از این عشق‌هاست. هنگامی که کنیزک به ناگاه مرد، خلیفه اموی آن قدر مانع دفن کنیز شد که بدنش متعفن شد و او نیز پانزده روز بعد از وی، از غم جان داد؛ درحالی که در این روزها، قبر کنیزک را رها نکرده بود و حتی یک بار جسد متعفن کنیز را برای دیدن و بوییدن از قبر خارج کرد؛^۱ نمونه دیگر آن، عریب، کنیز دانا و آوازه‌خوان امین و سپس مأمون است. امین، او را به صد هزار زر سرخ و بعدها مأمون که او را به پنجاه هزار درهم به اجبار از صاحب جدیدش عبدالله بن اسماعیل خرید. جالب این است که عبدالله بن اسماعیل به هنگام این معامله، به مأمون اظهار کرد عریب، تمام زندگی من است و حاضر به فروشش نبود؛ ولی مجبور شد و پس از آن، دچار اختلال حواس و مشاعر گردید و بعد از چهل روز، مُرد.^۲ مأمون آن چنان دلبسته این کنیز بود که سخنانش را بسان یک ادیب درخور نقل و نگارش می‌دانست. وی با وجود بی‌عفتی و دلباختگی عریب به یکی از درباریان به نام محمد بن حامد، پس از تندی اندکی، وی را به ازدواج معشوقش رساند.^۳ هرچند عریب غیر از محمد بن حامد، معشوق‌های بسیاری را در دربار عباسیان داشت و با هشت تن از خلفای عباسی نیز هم‌بستر شده بود.^۴ ناگفته نماند که نمی‌توان اعداد و ارقام این گزارش‌ها را که مایه داستان‌سرایی و مبالغه دارد، به دقت پذیرفت.

از سوی دیگر، تنوع نژاد و رنگ و رخسار و هنر این کنیزان باعث شد تا حرمسراهای دربار خلفای اموی و عباسی، لبریز از کنیزکانی شد که شاید سال به سال توفیق ملاقات با خلیفه یا امیران زبردست او را نمی‌یافتند و برای راهیابی به بستر مالک خویش، حیل‌ها به کار می‌بستند. تعداد کنیزان زیبارویی را که در حرمسرای هارون پس از او باقی ماندند، تا ۴۰۰۰ کنیز گفته‌اند.^۵ عمق نفوذ و جذابیت این کنیزان، به اندازه‌ای بود که مأمون عباسی با توجه به سنّ امام جواد علیه السلام تلاش کرد با بهره‌گیری از آنان، دامن عصمت آن حضرت را بیالاید که با بی‌اعتنایی امام، مانند سایر توطئه‌هایش ناکام ماند. او برای این کار، از دویست تن از زیباترین کنیزکان تربیت شده دربار که هر کدام به شکلی خاص با جواهرات پیرایش شده بودند، کمک گرفت که به

۱. ابو الفرج الإصفهانی، کتاب الأغانی، ج ۸، ص ۴۶۰؛ محمد بن موسی دمیری، حیات الحیوان الکبری، ج ۱، ص ۱۰۶.

۲. ابو الفرج اصفهانی، همان، ج ۲۱، ص ۴۸.

۳. همان، ص ۴۹؛ ابن فضل الله عمری، مسالک الأبصار، ج ۱۰، ص ۳۶۳.

۴. ابو الفرج اصفهانی، همان، ج ۲۱، ص ۵۲.

۵. ابن کثیر، همان، ج ۱۰، ص ۲۲۲.

بهانه استقبال از امام، خود را به آن حضرت عرضه کردند؛ اما با نهایت بی‌توجهی آن حضرت مواجه شدند؛ چنان که حتی به آنها نگاهی هم نینداخت.^۱

امامان معصوم علیهم‌السلام ضمن عمل به این رسم جامعه خود که با شرایطشان نیز سازگارتر بوده، با اصلاح و ترمیم آن، نمونه‌ای از تشکیل خانواده با این کنیزان آزادشده را در عین دوری از حرمسازسازی ارائه داده‌اند؛ به دیگر سخن، آنان ضمن تبعیت از رسم جامعه خود و بهره‌مندی از کنیزان لایق، با تشکیل خانواده به‌وسیله آنان و دوری از حرمسازسازی و دلبستگی افراطی به این دلربایان هرجایی، مدل و الگویی مناسب را به جامعه آن روز عرضه کرده‌اند.

۴. پیشگیری از به خطر انداختن همسر رسمی و شناخته‌شده

بسنده کردن به ازدواج با کنیزان، به جای ازدواج با دخترانی از خاندان‌های سرشناس علوی و هاشمی، باعث می‌شد تا فشارها به همسران امام و خاندان‌هایشان کاهش یابد؛ زیرا این کنیزان، خاندان برجسته و خانواده شناخته‌شده‌ای نداشتند و با وجود فشارهای سیاسی و امنیتی بسیار علیه امامان، دیگر نگرانی درباره خاندان همسران آنان نبود و خود این همسران که به عنوان کنیز امّ ولد معرفی می‌شدند، چندان تحت نظر و زیر ذره بین عناصر دستگاه خلافت قرار نمی‌گرفتند.

طبیعی بود که رفتار دستگاه عباسی به هنگام باخبر شدن از اینکه امام جواد علیه‌السلام کنیزی دارد که از او بچه‌دار شده یا امام هادی علیه‌السلام کنیزی برای خود خریداری کرده، کاملاً با زمانی که اعلام می‌شد آنان با دختری به‌عنوان همسر دائم ازدواج کرده بودند، کاملاً متفاوت بود؛ چراکه انتظار می‌رفت که بر همسر رسمی و همچنین خاندان وی مراقبت و نظارت ویژه‌ای اعمال شود. این مسئله، به‌خصوص در مورد مادر امام هادی علیه‌السلام جدی بود که در صورت ازدواج رسمی و علنی، به‌عنوان هووی ام‌الفضل، دختر مأمون عباسی معرفی می‌شد. طبیعی بود که هووی ام‌الفضل و خاندانش، به‌نوعی تحت تأثیر نگاه منفی دختر خلیفه، مورد نفرت و کینه‌توزی دستگاه حاکم نیز قرار گیرند؛ به‌خصوص وقتی گزارش‌ها رفتارهای کینه‌توزانه خلافت عباسی را درباره خود امام جواد علیه‌السلام انعکاس داده‌اند؛ رفتارهایی که برخی تحت تأثیر کینه ام‌الفضل شکل گرفت.^۲

^۱ ابو الفرج اصفهانی، همان، ج ۱۸، ص ۵۰۰.

^۲ یوسف‌بن‌حاتم شامی، *الدر النظیم*، ص ۷۱۰؛ شیخ حسین‌بن‌عبد الوهاب، *عیون المعجزات*، ص ۱۲۵؛ ابن طاوس، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، ص ۳۶، بیاضی، *الصراف المستقیم*، ج ۲، ص ۲۰۰؛ ابن حمزه طوسی، *الثاقب فی المناقب*، ص ۵۱۷؛ بحرانی، *مدینه معجز*، ج ۷، ص ۳۹۴.

نگاهی به شرایط سیاسی و اجتماعی امامانی که بیشتر به کنیزداری روی آورده‌اند، این احتمال را قوت می‌بخشد که این بزرگواران برای جلوگیری از هرگونه آسیب احتمالی به خانواده و همسران رسمی خود از سوی دستگاه خلافت، از اینکه فردی را به‌عنوان همسر رسمی خویش اعلام و علنی کنند، خودداری می‌کردند. جالب است که این روند، نسبت مستقیمی با حجم فشار و خفقان حاکم بر زندگی خصوصی امامان دارد؛ چنان‌که این روند در زندگی امام کاظم علیه السلام و بعد از ایشان، امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام که به ابن‌الرضا ملقب شده و بیشتر در زندان یا پادگان‌های نظامی و تحت نظر حکام عباسی و دور از وطن خود زندگی کردند، بیشتر است. طبیعی است، این بزرگواران حتی از همسران واقعی خود که مادران امامان بعدی قطعاً از میانشان بودند، به‌عنوان یکی از کنیزان خود یاد می‌کردند تا از گزند آزارهای احتمالی دربار عباسی در امان باشند.

آتش‌زدن خانه امام صادق علیه السلام به دستور منصور؛^۱ زندان‌های طولانی‌مدت امام کاظم علیه السلام؛ توطئه‌های ترور امام جواد علیه السلام در منزل و اندرونی خود؛^۲ هجوم شبانه به خانه‌های امامان، چنان‌که در مورد امام صادق علیه السلام، امام هادی علیه السلام؛^۳ و امام عسکری علیه السلام؛^۴ گزارش شده است؛ فشارهای شدید اقتصادی و اجتماعی به خانواده امامان در مدینه در عصر متوکل؛^۵ اختفای مادر امام زمان علیه السلام و حتی پنهان‌کاری در نام بردن از ایشان و فرزند بزرگوارشان در آن عصر؛ و نیز تحت نظر ویژه بودن کنیزان امام عسکری علیه السلام بعد از شهادت آن امام ^۶ از بیم تولد امام زمان علیه السلام، همگی نشان‌دهنده نمونه‌های از تهدیدهایی است که خانواده امامان با آنها روبه‌رو بودند. طبیعی است که در این شرایط، حکومت وقت بر بانویی که به‌عنوان کنیز در خانه آن بزرگواران شناخته می‌شد، سخت‌گیری کمتری نسبت به زنان رسمی آنان داشته باشند؛ هرچند این کنیز در واقع، همسر رسمی امام و مادر امام بعدی باشد.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۷۳؛ ابن حمزه طوسی، الثاقب فی المناقب، ص ۱۳۷.

۲. شامی، همان، ص ۷۱۰؛ نباطی بیاضی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۰۰؛ ابن حمزه طوسی، الثاقب فی المناقب، ص ۵۱۷.

۳. مسعودی، همان، ج ۴، ص ۱۱؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۱۱، ص ۱۵؛ سبط‌بن‌الجوزی، تذکره الخواص، ص ۳۲۲.

۴. کلینی، همان، ج ۱، ص ۵۱۳.

۵. ابوالفرج الأصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۴۷۹.

۶. شیخ صدوق، همان، ج ۲، ص ۴۷۴.

۵. مشکلات شدید امنیتی خاندان‌های علوی در این عصر

عمده‌ترین دلیلی که برای ازدواج نکردن امامان بعدی با عموزادگان یا دیگر دختران خاندان خود به نظر می‌رسد، تحت‌فشار بودن شدید خاندان‌های علوی از سوی عباسیان در دوره اخیر است که ازدواج کردن با آنان را به‌عنوان رقیبان خلفا، چنان خطرناک جلوه می‌داد که بسیاری از این دختران تا پایان عمر ازدواج نکردند و برخی از امامان چون امام کاظم علیه‌السلام^۱ و بعدها امام جواد علیه‌السلام^۲ موقوفه‌ای را برای معیشت آنان وقف کردند. از سوی دیگر، در برخی از دوره‌ها مانند زمان متوکل، سخت‌گیری مالی آن‌چنان بر علویان شدید بود که زنان علوی یک دست لباس کامل برای نماز نداشتند و چند زن علوی همه باهم با یک لباس کامل نماز می‌خواندند و بقیه با پوشش کمتر به انتظار لباس نماز می‌نشستند.^۳ طبیعی است که با این قدرت اقتصادی، پدران امکان شوهر دادن دخترانشان را نداشتند. از سوی دیگر، دختر دادن به امام با آن شرایط سیاسی تحت نظر و احضار مداوم به دربار عباسی، به معنای در معرض تهدید مضاعف قرار دادن این دختران و خانواده‌هایشان بود که ائمه علیهم‌السلام تا حد امکان از آن پرهیز داشتند.

۶. کم‌هزینه بودن و بی‌تکلفی ازدواج با کنیزان

مزیت‌های ازدواج با کنیزکان را این‌گونه در میان عرب معروف دانسته‌اند: «هر که به دنبال هزینه پایین و مخارج سبک‌تر و بهره‌مندی بیشتر و تشریفات کمتر در زندگی است، باید به سراغ ازدواج با کنیزان برود؛ نه زنان آزاد.»^۴

اینک، ارائه توضیحی درباره تفاوت‌های چندهمسری و کنیزداری و اشاره‌ای شرایط امنیتی و سیاسی حاکم بر خانواده امامان در آن روزگار، ضروری به نظر می‌رسد.

مفهوم زن و خانواده و همسر دائم در برابر کنیز، در گذشته کاملاً متفاوت و دارای بار حقوقی و اجتماعی خاصی نسبت به امروز بوده است. در نگاه جامعه امروز، مردی که چند همسر دائم دارد، با مردی که کنیزهای متعددی داراست، تفاوتی ندارد و هر دو، در دسته چندهمسری طبقه‌بندی می‌شوند؛ درحالی‌که در جامعه زمان معصومان، پذیرش همسری دائم یک زن، هرچند

۱. کلینی، همان، ج ۷، ص ۵۴؛ شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۳۸.

۲. حسن بن محمد قمی، تاریخ قم، ص ۲۲۱.

۳. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۴۷۹.

۴. جاحظ، المحاسن والأضداد، ص ۳۳۴؛ ثعالی، اللطائف والظرائف، ص ۱۷۰.

به‌عنوان همسر دوم، در برابر کنیز داشتن، بار حقوقی و اجتماعی و نیز مفهومی کاملاً متفاوت داشت.

کنیزانی که در یک خانه بودند، کاربردهای متفاوتی ممکن بود داشته باشند. برخی وظیفه خدمت در امور آشپزخانه و مطبخ را به عهده داشتند؛ برخی وظیفه شیر دادن به نوزادان و رسیدگی و تربیت کودکان را بر عهده می‌گرفتند و بعضی دیگر نیز که به آنها «سریه» گفته می‌شد، به‌عنوان محبوبه‌های شرعی و قانونی مالک خود بودند. اینان در هنرها و فنونی چون شعر، ادبیات عرب، آواز و خوشنویسی یا حتی علوم چون فقه و قرائت تربیت شده بودند و جایگاه ویژه‌ای نزد مالک خود داشته و باقیمت‌های گزاف خریدوفروش می‌شدند. اگر این کنیزان از مالک خود باردار شده و فرزندی به دنیا می‌آوردند، امّ ولد خوانده شده و به دلیل آزاد بودن فرزند، قابل خرید و فروش نبودند. کنیزان امّ ولد، یک فرد پس از مرگ مالکش و با قرارگرفتن در سهم ارث فرزند، به طور خودکار آزاد می‌شدند. جایگاه و شأن بانوی اصلی و همسر رسمی مالک، اصلاً با کنیزان محبوب او نیز یکی نبود؛ چنان‌که همسر بر نوکران و خدمه داخل خانه نظارت داشت و تعدادی از آنان را نیز در اختیار می‌گرفت^۱ و می‌توانست شوهرش را در خصوص رابطه‌اش با کنیزان تحت فشار قرار دهد و او را بازخواست یا وادار به مخفی‌کاری کند؛ امری که نمونه‌اش در میان همسران صحابه^۲ یا امامان^۳ و حتی خلفایی مانند سفاح و منصور نیز یافت می‌شود.^۴ حساسیت همسر رسمی، حتی کار را به توطئه برای قتل شوهر نیز می‌کشاند؛ چنان‌که طبری ارتکاب این جنایت را به همسر بکاربن عبدالله زبیری، حاکم مدینه در سال ۱۹۵ق گزارش کرده است.^۵ این خطرهای برآمده از حسادت میان هووها را چه در میان همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و چه در همسران برخی از امامان، از جمله در رفتار حسادت‌آمیز و توطئه‌گری‌های ام

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۸، ص ۸۷؛ ابن جوزی، المنتظم، ج ۷، ص ۳۳۶؛ مسعودی، همان، ج ۳، ص ۲۶۱.

۲. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۹۰۱؛ شمس الدین ذهبی، تاریخ الإسلام و فیات المشاهیر و الأعلام، ج ۲، ص ۴۹۸.

۳. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۱۳۴.

۴. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۶۱؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۸، ص ۸۷؛ ابن جوزی، المنتظم، ج ۷، ص ۳۳۶.

۵. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۸، ص ۲۴۷.

۶. به‌عنوان نمونه، رک: بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۱۲؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۳.

الفضل، همسر امام جواد علیه السلام^۱ نیز دیده‌ایم. این مشکلات، خود می‌توانسته سببی برای کم‌رغبتی امامان به ازدواج دائم با زنان آزاد و پیشگیری از مشکلاتی باشد؛ به خصوص که شرایط سیاسی و اجتماعی امامان آخر نیز به گونه‌ای بغرنج‌تر بوده است.

۷. تلاش برای تکثیر نسل اهل بیت علیهم السلام

فزونی جمعیت، به عنوان یکی از عوامل مهم اقتدار و قدرت یک ملت و تشویق به تکثیر نسل، از جمله تعالیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. در این میان، فزونی یافتن عدد سادات و نسل پیامبر صلی الله علیه و آله، آثار و برکات دو چندان دارد؛ زیرا همین فزونی، شاهی بر راستی وعده اعطای کوثر به حضرت رسول بود و جمعیتی را پدید می‌آورد که به طور طبیعی، علاوه بر داشتن میراث نژادی از آن حضرت، با توجه به این ارتباط و علقه خونی، تعصب بیشتری در تلاش برای اعتلای دین جدّ خود به خرج می‌دهند. از سوی دیگر، تلاش‌های دشمنان خاندان وحی برای نسل‌کشی سادات، خطری جدی برای انقراض این نسل پاک را ایجاد می‌کرد. تاریخ نشان داده که خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از آن حضرت، در معرض تهدیدهای جدی قرار گرفتند و از آنجا که حکومت‌های اموی و عباسی، از وجود آنان احساس خطر کرده و حضورشان را با وجود خویشاوندی نزدیک به پیامبر صلی الله علیه و آله و شایستگی‌های ذاتی خود، رقیبی برای قدرت و سلطه خویش می‌دیدند، از تعقیب و کشتار علویان فروگذار نکردند؛ به خصوص که علویان نیز با قیام‌های پیاپی خود بر ضدّ این حکومت‌ها، توانایی خویش را برای رهبری جامعه و به دست گرفتن قدرت نشان می‌دادند. صفحات تاریخ، مملو از کشتارهایی است که ممکن بود نسل پیامبر صلی الله علیه و آله را با انقراض مواجه کند. شاید اوج این جنایت‌ها را بتوان در دوره منصور^۲ و هارون^۳ عباسی یافت که با زنده‌به‌گور کردن تعداد زیادی از این سادات یا اعدام‌های دسته‌جمعی آنان، در تلاش برای از بین بردن این شجره طیبه بودند، در این شرایط بود که کثرت نسل در میان فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

^۱. شامی، الدر النظیم، ص ۷۱۰؛ شیخ حسین بن عبدالوهاب، عبون المعجزات، ص ۱۲۵؛ ابن طاوس، مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۳۶. بیاضی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۰۰؛ ابن حمزه طوسی، الثاقب فی المناقب، ص ۵۱۷؛ بحرانی، مدینه معجز، ج ۷، ص ۳۹۴.

^۲. طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۸، ص ۱۰۵؛ ابوالفرج الأصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۶۶؛ ابن الأثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۵۲۶.

^۳. شیخ صدوق، عبون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۰۹؛ ابوالفرج اصفهانی، الأغانی، ج ۵، ص ۱۵۰؛ محسن امین، أعیان الشیعة، ج ۱، ص ۲۹.

و اهل بیت پاکش، عامل مهمی در جلوگیری از تلاش دشمنان برای ریشه‌کنی نسل علویان و فاطمیان در طول تاریخ شد و زادوولد زیاد در خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله، می‌توانست مانعی جدی برای این توطئه باشد. از آنجا که بارداری‌های متعدد برای هرزنی میسر نیست و همسران دائم، به‌خصوص آنان که در ناز و نعمت بار آمده باشند، ممکن است آمادگی این مسئله را از نظر جسمی و بدنی نداشته باشند، از سوی دیگر، ازدواج مجدد و همسر جدید نیز مسئولیت و شرایط خاص خود را دارد، کنیز گرفتن، یکی از راهکارهای رایج برای طلب فرزند بیشتر در گذشته بوده است. این مسئله، در گفت‌وگوی امام سجاد علیه السلام با مروان نیز قابل استفاده است. بر اساس این روایت، هنگامی که امام از ام‌الحسن، تنها همسر رسمی‌اش بچه‌دار شده بود و تعداد فرزندان اندک بود، به امام پیشنهاد شد که به دلیل تعداد کم فرزندان، کنیزان فرزندزا خریداری کند و پس از این بود که فرزندان امام بسیار شدند.^۱

۸. ازدواج با کنیزان، راهکاری عملی برای مقابله با برده‌داری

رفتار معصومان علیهم السلام با کنیزان، در منظومه راهکارهای اسلام برای برچیدن تدریجی کنیزداری در جهان آن روز، قابل تبیین است. می‌توان راهکار اسلام را درباره برده‌داری که به هنگام ظهور اسلام در همه مناطق متمدن جهان در جریان بود، بر اساس راهبرد حذف تدریجی تبیین کرد. این راهبرد، به همراه مبارزه قاطع و بی‌درنگ حقوقی و کیفری با جرم و تعدی به بردگان و فرهنگ‌سازی کرامت و بزرگداشت و نگاه انسانی به بردگان و تشویق‌های معنوی و قانونی برای آزاد کردن آنان بود. بدین‌سان، می‌توان گفت اسلام برای ریشه‌کن کردن برده‌داری در سطح جهان، فرایندی درازمدت را اجرا کرد. در نتیجه این فرایند، بدون تغییر چالش‌سازی در نظام‌های اجتماعی و اقتصادی رایج، به‌مرور برده‌داری از سطح جامعه اسلامی و مسلمانان ریشه‌کن شد. می‌توان گفت حذف ناگهانی برده‌داری، نه‌تنها برای حکومت نوپای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ممکن نبود، بلکه فرصتی را که برای جذب تدریجی و تغییر فرهنگ بردگان کافر در جامعه اسلامی وجود داشت، از بین می‌برد. از این‌رو، اسلام ضمن تأکید بر حقوق بردگان، طی مراحل و به‌تدریج، برده‌داری را به مرز نیستی کشاند؛ مراحلی که می‌توان آنها را درسیره و زندگی معصومان علیهم السلام یافت. به نظر می‌رسد که قسمت عمده نظام مبارزه اسلام با برده‌داری را می‌توان

^۱. این کنیز، البدایة و النهایة، ج ۹، ص ۱۰۴.

در فهرست ذیل گنجانند:

نکوهش و تقبیح برده‌داری؛ مانند این گفته رسول خدا ﷺ که فرموده: «بدترین مردم، کسانی هستند که مردمان را می‌فروشند.» (برده‌داران)^۱

فرهنگ‌سازی برای ترویج آزاد کردن بردگان با آیاتی مانند «و ما ادراک ما العقبه، فک رقبه»^۲؛

به رسمیت شناختن حقوق بشر به طور عمومی، و به طور ویژه حقوق بردگان؛ مانند حق تأمین نیازهای اساسی بردگان در حد متعارف، مانند خوراک و پوشاک کافی و مسکن مناسب و تأیید قانون مکاتبه یا قراردادهای آزادی بردگان، مانند آزاد دانستن فرزند مشترک میان یک برده و آزاد؛

محدود کردن سازوکار تولید برده در بازار برده‌فروشی. این امر با مشروط کردن بردگی اقوام مختلف به جهاد صحیح و شرعی انجام شد؛ جهادی که به‌مرور مصداق آن رو به کاهش می‌نهاد؛ ایجاد سازوکارهای دینی متعدد برای آزاد شدن بردگان با وضع قوانین مختلف برای آزادسازی بندگان، مانند کفاره روزه و کفاره نذر و قسم و قتل خطایی و ظهار.^۳ معتبر دانستن ازدواج با بردگان و آزاد دانستن فرزند مشترک میان یک برده و آزاد، به معنای آزاد شدن قهری و خودکار کنیزانی بود که مادر فرزند ارباب خود بودند؛^۴

نفی استثمار بردگان، مانند منع از اجبار کنیزان برای تجارت فحشا و کسب درآمد؛^۵ حرام دانستن شکنجه بردگان و قانون آزادسازی بردگان در صورت شکنجه‌های سخت بر آنان؛^۶

برکشیدن بردگان در مناصب مهم و جایگاه اجتماعی بر اساس تقوا و ایمان، نفی نظام طبقاتی و اشرافیتی ترجیح اربابان بر بردگان؛

ایجاد فرهنگ حرمت نهادن به بردگان با سفارش‌های فراوان، مانند اینکه حتی آنان را با عنوان کنیز و برده نخوانند؛ بلکه فتی و فتناه به معنای جوان، صدا کنند و نهی از بدرفتاری با

۱. کلینی، همان، ج ۵، ص ۱۱۴.

۲. سوره بلد، آیه ۱۲ و ۱۳.

۳. سوره نساء، آیه ۹۲؛ سوره مجادله، آیه ۳.

۴. یحیی بن سعید حلّی، الجامع للشرائع، ص ۴۰۶.

۵. سوره مائده، آیه ۸۹.

۶. حلّی، همان، ص ۴۰۵.

بردگان؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دواندن برده به دنبال ارباب سوار نهی نمود.^۱ ازدواج امامان معصوم علیهم السلام با یک کنیز و بچه دار شدن از او، در حقیقت راهی برای حریت و آزاد کردن کنیز محسوب می‌شد؛ به خصوص که پیش از ازدواج، کنیز را آزاد کرده و به عنوان یک زن آزاد با وی ازدواج می‌کردند. افزون بر این، با توجه به جایگاه برتر دینی، اجتماعی و سیاسی امام علیه السلام در جامعه آن روز، باعث می‌شد تا این خاتون‌ها به جهت نقش مادری که برای معصومان ایفا می‌کردند، به عنوان مادران امام علیهم السلام، احترام و جایگاه خاصی در میان شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام بیابند و به عنوان مادر افرادی از خاندان برتر و پُراهمیت بنی‌هاشم که جایگاه ویژه‌ای در دربار عباسی داشت، شناخته شوند.

۹. آزاد شدن پیش از ازدواج

هیچ دور نیست که در موارد مختلفی که ازدواج امام با کنیزی گزارش شده، امام پس از آزاد کردن این کنیز، وی را به عنوان زنی آزاد به ازدواج پسرش درآورده باشد؛ ولی کسانی که به رازهای اندرون خانه آگاه نبوده‌اند، با همان نگاه اولی، این مادران و همسران را کنیز خوانده‌اند. سیره ای که از برخی از معصومان علیهم السلام در این باره گزارش شده، قرینه‌ای بر این احتمال است. در ازدواج رسول اکرم صلی الله علیه و آله با جناب جویریة دختر حارث مصطلقی^۲ و صفیه دختر حی نضیری^۳، همین گونه گزارش شده است. از میان همسران رسول اکرم صلی الله علیه و آله که در پیش از ازدواج برده بودند، تنها جناب ماریه قبطیه به دلیل بیم از رقابت برخی از همسران آن حضرت، ترجیح داد برده بماند و همسر رسمی آن حضرت نشود.^۴ در میان امامان نیز این مسئله در ازدواج امام حسین علیه السلام با شاهدخت ایرانی،^۵ ازدواج‌های امام سجاد علیه السلام با کنیزان آزاد شده خود^۶ و یا ازدواج امام عسکری علیه السلام با نرجس خاتون،^۷ تصریح شده است.

۱. زمخشری، ربیع الأبرار، ج ۳، ص ۳۴۴.

۲. تقی الدین مقریزی، إمتاع الأسماع، ج ۱، ص ۲۰۶.

۳. طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۱۱، ص ۶۱۰؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۷۱؛ ابن حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابة، ج ۸، ص ۲۱۰-۲۱۲.

۴. طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۶۹.

۵. محسن امین، أعیان الشیعة، ج ۱، ص ۶۲۹.

۶. کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۶۱؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۸.

۷. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۱۴؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، همان، ج ۱، ص ۵۷۴.

توضیح اینکه آنچه در آیه قرآن نکوهش شده، ازدواج با کنیزی است که هنوز برده است و ممکن است برده شوهر خود یا برده فرد دیگری باشد. فرد دیگری غیر از شوهر که اجازه ازدواج خود را امام جواد علیه السلام هست،^۱ نشان می‌دهد که این بزرگان، کنیزانی عادی نبوده‌اند؛ بلکه به تقدیر الهی و ربوبیت خاصه حضرت حق، برای مادری حجت‌های الهی برگزیده و خریداری شده‌اند. خبرهایی که پیش از تولد امامان و حتی پیش از تولد پدرانشان درباره مادران برگزیده آنان آمده، تأییدی دیگر برای این برگزیدگی است؛ مانند «بِأَبِي أَيْنُ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ أَيْنُ النُّوْبِيَّةِ»^۲ فدای پسر بهترین کنیزها، پسر زن اهل نوبه شوم. «بنابراین اگرچه ازدواج امامان با زنان دیگر را به صورت معمول و عرفی می‌توان دانست، اما انتخاب مادران ائمه دیگر، بر اساس برنامه و تقدیری مشخص بوده است.



^۱. مسعودی، همان، ج ۳، ص ۲۲۰.
^۲. کلینی، همان، ج ۱، ص ۳۲۳.

نتیجه

با توجه به فرایندی، می‌توان حدس زد که مادران ائمه پیش از ازدواج آزاد شده و سپس به‌عنوان همسر دائم به همسری امامان درآمدند؛ اما در بیرون از بیت امامان، با همان نام کنیز مشهور شده بودند تا زیر ذره‌بین امنیتی قرار بگیرند. ازدواج پدر امام هادی علیه السلام با کنیزی مغربی، از یک سو می‌توانست با ارتقای جایگاه این کنیز در جامعه و آزاد کردنش، نوعی راهکار عملی برای مقابله با برده‌داری و نظام تبعیض‌آمیز میان عرب و عجم و پیروی روشمند از رسم زمانه خود و تلاشی برای نزدیک شدن با مغربیان باشد، و از سوی دیگر، مانع از به‌خطر انداختن جدی شخص جناب سمانه، به دلیل معرفی نشدن به‌عنوان همسر رسمی امام و تحت تأثیر شرایط شدید امنیتی و اقتصادی بنی‌هاشم در مدینه باشد. همین مسائل نیز در ازدواج امام هادی علیه السلام با جناب سلیل یا حدیث، قابل طرح است.

منابع

- قرآن كريم.
- ابن اثير عز الدين أبو الحسن علي بن ابي الكرم، الكامل في التاريخ، بيروت: دار صادر، ١٣٨٥ق.
- ابن جوزي ابوالفرج، المنتظم في تاريخ الأمم و الملوك، بيروت: دار الكتب العلمية، أول، ١٤١٢ق.
- ابن خلدون عبد الرحمن بن محمد، ديوان المبتدأ و الخبر في تاريخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوى الشأن الأكبر، تحقيق خليل شحادة، بيروت: دار الفكر، دوم، ١٤٠٨ق.
- ابن حجر عسقلاني الإصابه في تمييز الصحابة، بيروت: دار الكتب العلمية، أول، ١٤١٥ق.
- ابن حمزه طوسى، الثاقب في المناقب، قم: انصاريان ، سوم، ١٤١٩ق.
- ابن شهر آشوب، مازندراني، محمد بن علي، مناقب آل أبى طالب عليه السلام، قم: دار الكتب الاسلاميه، أول، ١٣٧٩ق.
- ابن صوفى نسابه، المجدى في انساب الطالبين، قم: مكتبة آية الله المرعشى النجفى، دوم، ١٤٢٢ق.
- ابن طاووس، على بن موسى، مهج الدعوات و منهج العبادات، قم: دار الذخائر، أول، ١٤١١ق.
- ابن فضل الله عمرى، احمد بن يحيى، مسالك الأبصار، ابوظبى: المجمع الثقافى، أول، ١٤٢٣ق.
- ابن قتيبه دينورى، أبو محمد عبدالله، عيون الأخبار، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق/ ١٩٩٨م.
- ابن كثير، دمشقى، البداية و النهاية، بيروت: دار الفكر، [بى تا].
- ابوالفرج الإصفهاني، على بن الحسين، كتاب الأغاني، بيروت: دار إحياء التراث العربى، أول.
- ، مقاتل الطالبين، تحقيق سيد احمد صقر، بيروت: دار المعرفة، [بى تا].
- اربلى، على بن عيسى، كشف الغمة في معرفة الأئمة، محقق / مصحح: هاشم رسولى محللاتى، تبريز: أول، ١٣٨١ق.
- بحرانى، سيد هاشم بن سليمان، مدينة معاجز الأئمة الإثنى عشر، قم: أول، ١٤١٣ق.
- بخارى، ابونصر سهل بن عبدالله، سرالسلسلة العلوية في انساب السادة العلوية، تحقيق سيد مهدى رجائى، قم: مكتبه آيه الله العظمى مرعشى نجفى، أول، ١٤٣٢ق.
- ترمانينى، عبدالسلام، الزواج في الجاهلية و الاسلام، دراسة مقارنة في مجال التاريخ و

- الأدب و الشريعة، دمشق: دار الطلاص، سوم، ۱۹۹۶م.
- تقى الدين مقریزی، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، بيروت: دار الكتب العلمية، أول، ۱۴۲۰ق.
- ثعالبي، أبو منصور عبد الملك بن محمد بن إسماعيل، الطرائف و اللطائف، القاهرة: دار الكتب و الوثائق القومية، ۱۴۲۷ق / ۲۰۰۶م.
- جاحظ، أبو عثمان عمرو بن بحر، المحاسن و الأضداد، بيروت: دار و مكتبة الهلال، أول، ۲۰۰۲م.
- جعفریان، حیات فکری و سیاسی ائمه، قم: انصاریان، ششم، ۱۳۸۱ش.
- حلی، یحیی بن سعید، الجامع للشرائح، قم: مؤسسة سيد الشهداء العلمية، أول، ۱۴۰۵ق.
- دمیری، کمال الدین محمد بن موسی بن عیسی، حیاة الحیوان الکبری، بیروت: دار الكتب العلمية، أول، ۱۴۲۴ق / ۲۰۰۴م.
- ذهبی، شمس الدین، تاریخ الإسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، بیروت: دار الكتاب العربي، دوم، ۱۴۰۹ق.
- زمخشري، ابوالقاسم محمود بن عمر، ربیع الأبرار و نصوص الأخیار، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، أول، ۱۴۱۲ق.
- سبط بن جوزی، تذكرة الخواص، قم: منشورات الشریف الرضی، أول، ۱۴۱۸ق.
- الأمین، سید محسن، أعیان الشیعة، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ق.
- شافعی، محمد بن طلحة شافعی، مطالب السؤول، بیروت: البلاغ، أول، ۱۴۱۹ق.
- شامی، جمال الدین یوسف بن حاتم، الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللهامیم، قم: جامعه مدرسین، أول، ۱۴۲۰ق.
- شیخ حسین بن عبد الوهاب، عیون المعجزات، قم: مكتبة الداوری، أول، [بی تا].
- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: اسلامیه، دوم، ۱۳۹۵ق.
- ، عیون أخبار الرضا عليه السلام، تهران: نشر جهان، أول، ۱۳۷۸ق.
- ضامن بن شدقم، تحفة الأزهار، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب، أول، ۱۳۷۸ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: أول، ۱۴۱۷ق.
- ، المؤلف من المختلف بین أئمة السلف، محقق / مصحح: مدیر شانہچی و... مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، أول، ۱۴۱۰ق.

طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، دوم، ۱۳۸۷ ق.

طقوش، دولت عباسیان، مترجم حجت الله جودکی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چهارم. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحكام، تهران: دار الکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ ق. —، الغيبة، قم: دار المعارف الإسلامية، اول، ۱۴۱۱ ق.

عطاردی عزیز الله، مسند الإمام السجاد أبي محمد علی بن الحسين علیه السلام، تهران: ناشر عطارد، اول، ۱۳۷۹ ش.

عمریوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل، اول، ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۲ م.

فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم: دلیل ما، اول، ۱۳۷۵ ش.

قمی حسن بن محمد، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبد الملک قمی، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، تهران: توس، ۱۳۶۱ ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ ق. المبرد، أبو عباس محمد بن یزید، الكامل فی اللغة و الأدب، بیروت: دار الکتب العلمیة، دوم، ۱۴۰۷ ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ ق. محقق کرکی عاملی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، محقق / مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، دوم، ۱۴۱۴ ق. مسعودی، علی بن حسین، إثبات الوصية للإمام علی بن أبی طالب، قم: انصاریان، سوم، ۱۴۲۶ ق.

—، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، قم: دار الهجرة، دوم، ۱۴۰۹ ق. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ ق.

نباطی بیاضی، شیخ علی، الصراط المستقیم إلى مستحقى التقديهم، نجف: المكتبة الحیدریة، اول، ۱۳۸۴ ق.

طیبی، ناهید، «مادران امامان شیعه علیهم السلام و نقش های سیاسی - اجتماعی آنان»، مجله بانوان شیعه، زمستان ۱۳۸۴ و بهار ۱۳۸۵، ش ۶ و ۷.